

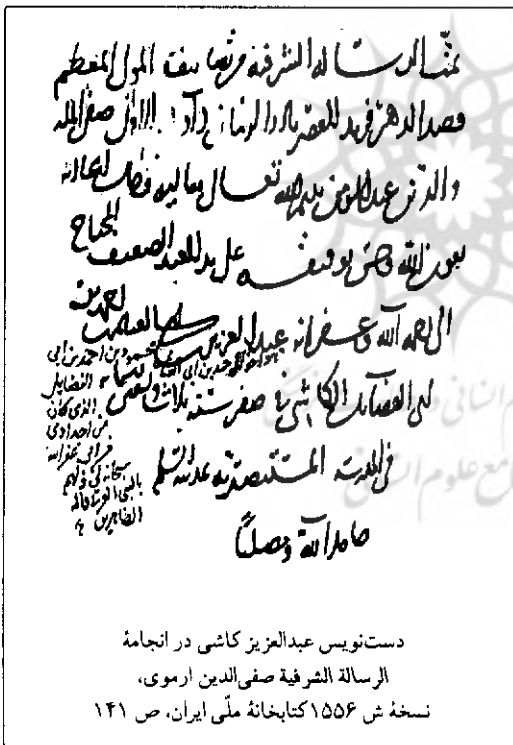
## عزالدین عبدالعزیز کاشی: شناسایی، کتابشناسی، نسخه جویی

سید محمد عمادی حائری<sup>۱</sup>

درآمد

آن هنگام که به تصحیح قلمیه جلال‌الدین دوانی نشستیم، ناگریز بودم که به دیگر رساله‌های قلمیه نگاه می‌بفکنم و پیشینه این‌گونه ادبی را جستجو کنم. این جستجو مرا به عبدالعزیز کاشی کشانید که پیش‌تر نامی از او - به واسطه درج قلمیه فارسی‌اش در سفینه تبریز و یادکرد ستایش‌آمیز ابوالمجد تبریزی از وی - در خاطر داشتم.

آن‌ک‌اندک علاقه‌مند شدم که بیشتر درباره او و آثارش بدانم، بدین روبه پژوهش در فهرست‌ها و کاوش در نسخه‌های گوناگون - که به گونه‌ای در شناخت او و نوشته‌هایش به کار می‌آمد - پرداختم، و حاصل آن پژوهش‌ها و کاوش‌ها، مقالت حاضر در شناسایی او و کتابشناسی و نسخه‌جویی آثارش گردید.



۱. پژوهشگر و مصحح متون، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

## I. عبدالعزیز کاشی، شناسایی و زندگانی

آنچه در باب نام و نسب واحوال و آثار عبدالعزیز کاشی می‌توان به دست آورد، بیشتر حاصل جستجو در نسخه‌های خطی است. دسته‌ای از این نسخه‌ها، بیاض‌ها و جنگ‌های کهن است که در زمان حیات کاشی و یا در روزگاری نزدیک به زندگانی او فراهم آمده‌اند،<sup>۱</sup> مجموعه‌هایی که به حقیقت هر کدام «کتابخانه‌ای بین‌الدفتین»<sup>۲</sup> آند و سرشار از داده‌های علمی و تاریخی.

در این میان، دو نسخه خطی به خط و کتابت کاشی برجای مانده که بی‌تردید مهم‌ترین و معتبرترین منبع درباره نام و نسب واحوال اوست:

۱. نسخه ش ۱۵۵۶/۱ در کتابخانه ملی ایران.<sup>۳</sup>

نسخه‌ای است از الرسالة الشریفیة صفی‌الدین ارموی (در موسیقی) که کاشی آنرا به سال ۶۹۳ به خط نسخ در مدرسه مستنصریة بغداد کتابت کرده است. کاشی در ترقیمه نسخه نوشته: «تمت الرسالة الشریفیة... بعون الله وحسن توفيقه علی يد العبد الضعیف المحتاج إلى رحمة الله و غفرانه عبدالعزیز بن ابی الفنایم بن احمد بن ابی الفضائل الکاشی فی صفر سنه ثلاث و تسعين و ستمائه فی المدرسة المستنصریة بمدینة السلم حامداً لله و مصلياً».<sup>۴</sup>

۲. نسخه ش ۱۳۹۲ در کتابخانه ملی ملک.<sup>۵</sup>

این نسخه، دستنوشته‌ای است به خط نسخ از شرح المفضل، شرحی که کاشی بر المفضل زمخشری نگاشته،<sup>۶</sup> و ظاهراً مؤدّه آن است. کاشی در انجامه این نسخه نوشته: «تمت کتابة هذا الشرح علی یدی مؤلفه عبدالعزیز بن ابی الفنایم بن احمد [بن] ابی الفضائل الکاشی... بقریة قمصر من قریة مدینة کاشان- حماها الله تعالی عن حوادث الزمان و صوارف الحدثان».<sup>۷</sup>

آری، مهم‌ترین چیزی که از این دو نسخه اصیل دستیاب می‌شود، نام و نسب و نسبت عبدالعزیز کاشی به قلم خود اوست. لقب «عزالدین» نیز در عنوان برخی نسخه‌های کهن آثار و رسائل او- که کاتبان نوشته‌اند- دیده می‌شود.<sup>۸</sup>

۱. گرچه این‌گونه جنگ‌ها و سفینه‌ها در همه سده‌ها تحریر می‌شده، اما قرن هفتم تا نهم دوره روایی فراهم کردن آن‌هاست.

۲. عنوان مقالتی است از استاد عبدالحسین حائری در شرح سفینه تبریز، نک: نامه بهارستان، ۴/ ۴۱.

۳. فهرست ملی، ۱۰/ ۷۷-۸۰؛ فهرست میکروفیلم‌ها، ۲/ ۲۵۷.

۴. ص ۱۴۱ نسخه ش ۱۵۵۶ کتابخانه ملی ایران.

۵. فهرست ملک، ۱/ ۴۴۷-۴۴۸.

۶. نک: پس از این.

۷. فهرست ملک، ۱/ ۴۴۷. و بنابراین ترقیمه که به کتابت نسخه به دست کاشی گواهی می‌دهد، حدس فهرست‌نگار که زمان کتابت نسخه را در قرن نهم دانسته، نادرست نخواهد بود.

۸. این لقب در بعضی از نسخ خطی به «عزیزالدین» تصحیف شده است. نک: فهرست مرعشی، ۱۶/ ۲۱؛ فهرست میکروفیلم‌ها، ۱/ ۵۰۰.

حال، این نسب و به ویژه ترقیمه نسخه شرح المفضل را با ترقیمه نسخه‌ای از شرح فصوص الحکم کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی که به خط نستعلیق وی در کتابخانه عاطف افندی استانبول به شماره ۱۴۴۳ محفوظ است،<sup>۱</sup> بسنجید: «و قد فرغ من هذا الشرح مؤلفه عبدالرزاق بن [ابی‌الغنائیم بن احمد بن ابی‌الفضائل<sup>۲</sup> بن محمد القاشانی]<sup>۳</sup>». <sup>۴</sup> از این مقایسه آشکار می‌شود که «عزالدین عبدالعزیز کاشی» برادر «کمال‌الدین عبدالرزاق کاشی» (د: ۷۳۶هـ) - عارف صاحب نظر و ناشر و شارح آرای شیخ اکبر (ابن عربی) - است.<sup>۵</sup>

نسخه کتابخانه ملی که ظاهراً حاصل سال‌های طالب علمی کاشی است، از مسکن‌گزینی و دانش‌اندوزی کاشی به سال ۶۹۳ در مدرسه مستنصریه بغداد<sup>۶</sup> خبری می‌دهد. همان مدرسه که در وصف آن گفته‌اند:

نیست چون بغداد شهری در همه روی زمین      باز چون مستنصریه در همه بغداد نیست  
چار حد آن به نور چار مذهب روشن است      حیثاً جایی که مثلش در دو و هفتاد نیست<sup>۷</sup>

نسخه کتابخانه ملک بیانگر اقامت کاشی در قمصر کاشان است، و از این جا می‌توان حدس زد که کاشان نه تنها مولد، که بودباش دائمی وی نیز بوده است.

ابوالمجد تبریزی (کاتب و گردآورنده سفینه تیریز) به سال ۷۲۳ و در حیات کاشی،<sup>۸</sup> از وی با عنوان «الامام الفاضل الکامل» نام می‌برد<sup>۹</sup> که نشان از ارج علمی و منزلت اجتماعی او در نزد معاصرانش دارد. نظیر این عبارت، در عناوین برافزوده کاتبان در سرآغاز نسخه‌های دیگر آثار و رسایل وی نیز دیده می‌شود، چنانکه کاتب نسخه ۲ قلمیه فارسی با عنوان «مولی السعید» و کاتب نسخه ۳ همان رساله با عنوان «الامام العالم عز الملة والدین» از او یاد کرده‌اند.

۱. فهرست فارسی ترکیه، ۲۸۱-۲۸۲.

۲. در فهرست فارسی ترکیه (ص ۲۸۱): احمد ابن الفضائل (کذا).

۳. همان، ص ۲۸۱.

۴. همان، ص ۲۸۲.

۵. آقای احمد منزوی، بنابر کتیبه پدر عبدالعزیز کاشی، او را به احتمال و گمان، فرزند کمال‌الدین عبدالرزاق دانسته است (فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۵/ ۳۵۸؛ فهرستواره کتاب‌های فارسی، ۶/ ۴۷۳). اما «ابی‌الغنائیم» کتیبه عبدالرزاق نیست، بلکه کتیبه پدر اوست (کاشانی‌نامه، ص ۲۵). این امر را برخی نسخه‌های خطی هم تأیید می‌کند (نک: فهرست مرعشی، ۱/ ۲۱۹، ۵/ ۳۶۵)، و محکم‌ترین سند در این باب نوشته خود عبدالرزاق در ترقیمه نسخه‌ای است که یاد کردیم.

۶. مدرسه‌ای در بغداد که ساخت آن در سال ۶۲۵هـ به امر المستنصر بالله عباسی (حک: ۶۲۳-۶۴۰) آغاز شد و در سال ۶۳۱هـ خاتمه یافت. این مدرسه برای تدریس مذاهب اربعه اسلامی بود و بعدها جزء مدرسه نظامیه شد. آثار این مدرسه هنوز برجاست (لفت‌نامه؛ فرهنگ معین).

۷. لفت‌نامه، ذیل «مستنصریه».

۸. ابوالمجد تبریزی از او با جمله دعایی «دام فضله» که حاکی از حیات اوست، یاد می‌کند (سفینه تیریز، ص ۷۱۶).

۹. همان‌جا.

از سال وفات کاشی- همچون سال ولادتش- چیزی نمی‌دانیم، جز آنکه به سال ۷۵۶ در قید زندگانی این جهانی نبوده‌است. از آن‌جا که کاتب نسخه ۴ قلمیه فارسی در پایان رساله قلمیه از او با عبارت «رحمه الله» یاد کرده و تاریخ کتابت رساله سیفیه که همو پس از قلمیه به کتابت آن پرداخته، «۱ ع ۱ ۷۵۶» [= اول ربیع الاول ۷۵۶] است. درباره مذهب کاشی نمی‌توان به طور قاطع اظهار نظر کرد. از دیباچه‌های رساله‌های او و به‌ویژه فصل نخستین روضة الناظر و منتخب آن برمی‌آید که ارادتی خاص به اهل بیت اطهار- علیهم‌السلام- داشته است، تا بدان‌جا که خود در یک رباعی چنین می‌سراید:

در مملکت شرع شهنشاہ علی است      وز هر دو جهان حقیقت آگاہ علی است  
سر حلقه اصحاب یحیی سر خدا      سلطان حقیقت ولی الله علی است<sup>۱</sup>

اما این تکریم از اهل بیت، در یک مورد همراه با درود و سلام بر اصحاب پیامبر- علی‌الاطلاق- است<sup>۲</sup> که معمولاً سنت دعایی مسلمانان سنی‌مذهب است، افزون بر آنکه از علم‌آموزی او در مدرسه مستنصریه- که مکاتب فقهی چهارگانه اهل سنت در آن تدریس می‌شده- سخن گفته‌ایم. با این همه، از برخی آثار او در الذریعة إلى تصانیف الشيعة نام برده شده است.<sup>۳</sup>



۱. نشریه کتابخانه ملی تبریز، ۱۶/۱۰۲.

۲. نکه: پس از این، آغاز روضة الناظر و نزہة الغاظر. البته می‌توان احتمال داد که عبارت «و اصحابه» افزوده کاتبان باشد.

۳. ذریعة، ۱۷/۱۶۸؛ ۲۲/۲۰۷ و ۲۵/۹۹.

## II. کتاب‌ها و رساله‌ها، کتابشناسی و نسخه‌جویی

در این جا، از کتاب‌ها و رساله‌های عبدالعزیز کاشی و نسخه‌های آن‌ها یاد می‌کنم. از هر یک از آثار کاشی، دست‌کم یک نسخه رؤیت شده و آغاز هر کدام با تفصیل بیشتری نقل گردیده، چرا که مقدمه هر اثری کارآمدترین منبع در شناخت آن است. علاوه بر آن نمونه‌هایی از نثر و نظم عربی و پارسی عبدالعزیز کاشی نیز به دست داده می‌شود.

### [1] روضة الناظر و نزهة الخاطر (عربی - فارسی) ❖

مجموعه‌ای است دلپذیر از اشعار عربی و پارسی که برحسب موضوع در سه قسم تدوین شده است. این کتاب، مشهورترین اثر کاشی است. حاجی خلیفه از آن در کشف الظنون نام می‌برد.<sup>۱</sup> کاشی خود منتخبی از این اثر فراهم کرده است.<sup>۲</sup> شرحی نیز بر این اثر در دست است.<sup>۳</sup>

روضه الناظر نمونه‌ای قدیم و برجسته از جُنگ‌های اشعار به شمار می‌آید و از حیث دارا بودن اشعار کهن، منبعی ارزشمند برای تصحیح دیوان‌ها و پژوهش در اشعار پراکنده است. کاشی در این اثر، به راستی مجموعه‌ای نفیس گرد آورده و به نقل اشعار سرایندگان گوناگون پرداخته، از اشعار خود و برادرش عبدالرزاق گرفته تا سروده‌های ائمه اطهار - علیهم السلام -<sup>۴</sup>.

۱. کشف الظنون، ۱/ ۹۳۳.

۲. نک: پس از این.

۳. تنها نسخه شناخته‌شده این شرح به شماره ۴۰۲۰ در کتابخانه اباصوفیاست و میکروفیلمی از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ش ۴۱۷) نگه‌داری می‌شود (فهرست میکروفیلم‌ها، ۱/ ۱۱۲). نام شارح دانسته نیست، اما از آن‌جا که تاریخ کتابت نسخه سنه ۸۸۱ هجری است، زمان تألیف از این سال فروتر نخواهد بود. ترتیب این شرح با اصل روضة الناظر و منتخب آن برابر نیست و در این‌که این اثر واقعاً شرح روضة الناظر باشد، جای سخن است. این نسخه را «...سلطان الاعظم و الخاقان المعظم خادم الحرمين الشريفين السلطان بن السلطان الغازي محمودخان...» وقف کرده است. عین این عبارت و وقف‌نامه و مهر تملک در پشت برگ نخست نسخه ۲ منتخب روضة الناظر نیز دیده می‌شود. آغاز این شرح چنین است: «الحمد لله على صنایع كرمه و روابیع نعمه، و الصلوة على نبیته الوفی ورسوله الصفی محمد و آله، اما بعد فإن هذه الرسالة منتخب من كلام الله و كلام النبی و الولی و العلماء و الفصحاء، لأجل راعي ارباب الفضل و حامی الاحباب، المختص بمكارم السنن و سمو الالقاب، بهر الله نور بهجة على كافة الانام و ابد نور عزته على الاسلام بدوام النور و الظلام، فاروا العبد أن اشرح روضة الناظر بنزهة الخاطر الذي مشحونة بغرر البديع و درر الخلیع، مصونة باللطایف و الابواب، و الله عنده حسن المآب».

۴. آقای عزیز دولت آبادی در مقاله «آشنایی با جُنگ نخجوانی» (نشریه کتابخانه ملی تبریز، ش ۱۶، ص ۹۶-۱۲۰) به معرفی نسخه کهن کتابخانه ملی تبریز پرداخته - هر چند به شناخت آن راه نیافته - و فهرستی از سرایندگان اشعار روضة الناظر به دست داده است.

## نسخه‌ها:

۱. ملی تبریز، ش ۳۰۴۷، (فهرست کتابخانه ملی تبریز، ۱/ ۳۷۸؛ نشریه کتابخانه ملی تبریز، ۱۶/ ۹۵-۱۲۰-۱).
  ۲. استانبول، ش ۷۶۶، (فهرست استانبول، ص ۳۴۱).
  ۳. استانبول، ش ۱۱۱۶، (فهرست استانبول، ص ۴۸۸-۴۸۹).
  ۴. اونبورسیتنه، ش ۷۶۶ فارسی؛ [میکروفیلم ش ۲۴۷، (فهرست میکروفیلم‌ها، ۱/ ۱۱۲)].
  ۵. دارالکتب المصریة، ش ۱۱۱ (ادب فارسی طلعت)، (فهرس المخطوطات الفارسیة، ۱/ ۲۸۳).
  ۶. احمد ثالث، ش ۲۴۵۲؛ [دارالکتب المصریة، مَصوره ش ۴۳۴، (فهرس المخطوطات المَصورَة، ۱/ ۴۷۷)].
  ۷. فرهنگستان روسیه، ش A- 465 (فهرست خاورشناسی روسیه، ص ۴۷۹).
- آغاز: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، الْحَمْدُ لِلْمَلِكِ الْعَلَمِ، وَ الصَّلٰوةُ عَلٰی مُحَمَّدٍ خَیْرِ الْاَنَامِ، وَعَلٰی آلِهِ وَ اصْحَابِهِ الْکَرَامِ، خَیْرَمَا افْتَتَحَ بِهِ الْکَلَامَ، اِنَّا بَعْدَ فَاِنَّ اصْفَرَ عِبَادَ اللّٰهِ تَعَالٰی عَبْدِ الْعَزِیْزِ الْکَاشِیِ - بَارَکَ اللّٰهُ فِیْهِ وَ صَرَفَ بَاقِیَ عَمْرِهِ فِی مَرَاضِیْهِ - یَقُوْلُ اِنِّیْ مَا زَلْتُ

اذا الفصن غضّ و الشباب بمایه  
و عهد الصبی فی حسنه و بهایه  
مشعوقاً بحفظ فواید بتوصل بها إلى مطالب فی المحاورات، مولعاً بضبط فرايد يتوصل بها إلى مقاصد فی  
المکاتبات، عن أفاضل العلماء و أكابر الشعراء، مروية عربية كانت أو عجمية، حتى حصلت على قسط ثمنها أوفر و أكمل و  
حظاً أوفى و أجزل، و ظفرت من طرْفهم و ملّحهم،

ببدايع تدع القلوب  
و لطايف مثل النفسی  
أو کالسعادة أو کما  
تکاد من طرب تطير  
یحويه محتاج فقير  
یستسیر الامسر العسیر

و من أبتکار أفكارهم،... فلما ضعفت القوى، و قوى الضعف و استوى و تبدل الصخّة بالدوی، و یلی برد الشباب و  
الطوی،... فتصدت على مزالمون، و ترقت برهة من الجدیدین، تنظیم تلك الشوارد فی سلك التحرير، و تقیید تلك  
الاولاد فی قید الكتابة و التسطیر، حتى انتهزت و سناً من نواظر الدوران، و سناً فی غیاهب طوارق الحدثان،...

العلم صید و الكتابة قيده  
فمن الحماقة أن تصيد غزاة  
قید صیودک بالقیود الواثقة  
و ترکتها مثل الحلیلة طالقة

... و تدبّر تدوینها و ترتیبها، و توفرت على تفصیلها و تبویبها،... حتى تقرز على ثلثة أقسام، محتوية على أبواب و  
فصول، منطوية على ما يلوح منه تبشير القبول،  
الاول: فی المدايح و الافتخار و الحكم و الآداب،  
و الثاني: فی ما يتعلق بأنواع المکاتبات،

۱. این نسخه - که آغاز و انجام آن افتاده - در دو منبع مذکور شناخته نشده و با عنوان «جنگ» معرفی شده است. آگاهی  
من از این نسخه به یمن یادآوری دوست گرامی آقای بهروز ایمانی است.

و الثالث: في المتفرقات، و ابتدأت في المديح و الافتخار تبركاً و تيمناً بمدح النبي و آله - عليه و عليهم الصلوات و التحيات... و سمية روضة الناظر و نزهة الخاطر، و ارجوا أن يصير كالمثل السائر، و يسير سير الفلك الداير...<sup>۱</sup>

[2] منتخب روضة الناظر و نزهة الخاطر (عربی-فارسی) ❖

انتخابی است از روضة الناظر که کاشی خود آن را گزین کرده و همانند اصل در سه قسم ترتیب داده و به شرف‌الدین محمد سمنانی (وزیر ایلخانیان در سال‌های ۶۹۵-۶۹۶) و سعدالدین- همان که قلمت فارسی خود را به نام او کرده-<sup>۲</sup> تقدیم داشته است. همان‌گونه که مرحوم دانش‌پژوه نوشته<sup>۳</sup>، کتابی است لطیف و دلنشین و خواندنی. نسخه‌ها:

۱. موزه بریتانیا، ش Or. 9602، (راهنمای کتاب، ۸۶۷ / ۵؛ نسخه‌های خطی، ۴ / ۶۹۰).

۲. ایاصوفیا، ش ۴۱۹؛ [میکروفیلم ش ۴۱۶، (فهرست میکروفیلم‌ها، ۱ / ۱۱۲-۱۱۳)].

۳. مجلس سنا، ش ۱۳۷۹، (فهرست سنا، ۲ / ۲۳۹-۲۴۰).

۴. ملی پاریس، ش ۳۳۶۵-عربی، (جلوه‌های هنر پارسی، ص ۷۲).

۵. ملی پاریس، ش ۳۳۶۶-عربی، (جلوه‌های هنر پارسی، ص ۷۰).

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم، احمد الله على نواله و اصلى محمد و آله، اما بعد فإني انتهزت قبل هذا الزمان و سناً من نواظر الدوران، و سناً في غياهب الطوارق و الحدثان، فالفنت كتاباً يشتمل ثلاثة اقسام، محتويه على ابواب و فصول، منطوية على ما يلوح تباشير القبول، و جمعته فيه فوايد منظومة لا منشورة، و فرايد عن افاضل الدهر مأثورة، و سميته روضة الناظر و نزهة الخاطر... ثم لما و فقتى الله بحصول المأمول و وصول المسؤول، انتخبته منه الطفها و احسنها، و انتقدت ارضنها و اتقنها، بغير تقيير في الترتيب، ولا تبدل في التفصيل و التبويب، فصار منتخباً لو عرض نزهة

۱. از میکروفیلم ش ۲۴۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۲. نک: پس از این.

۳. فهرست میکروفیلم‌ها، ۱ / ۱۱۳.

۴. برخلاف آنچه که ج. م. مردی‌اوتز در مقاله «نسخ خطی فارسی موزه بریتانیا» (ترجمه هوشنگ ابراسی، در: راهنمای کتاب، سال ۵، ص ۸۶۷) نوشته و از آن‌جا به ذریعه (۲۲ / ۲۰۷) و تاریخ نظم و نثر (۲ / ۷۵۷) راه یافته، این نسخه- که به سال ۷۷۷ هجری تحریر شده- دستنوشته کاشی نیست، چرا که گفتیم کاشی در ۷۵۶ هجری زنده نبوده است.

۵. این نسخه- که آغاز و انجام آن افتاده- در فهرست سنا شناسایی نشده و از آن با عنوان «مجموعه شعرية» یاد شده است. از دوست گرامی آقای جواد بشری که این نکته را یادآور شد سپاسگزاری می‌کنم.

۶. این نسخه و نسخه بعدی در منبع یاد شده، به اشتباه روضة الناظر معرفی شده، نه منتخب آن.

۷. فهرست‌گر نسخه بر پایه تریقه کاتب (در محرم ۸۰۲)، می‌نویسد که یاقوت مستعصمی «کمی پیش از مرگ در ۶۹۸ نخستین یا یکی از نخستین نسخه‌های روضة الناظر و نزهة الخاطر را رونویسی کرده بود».

الناظر و رُوح الخاطر، ولم يحصل منه لمطالعه ملال، و لا لمن نظر فيه كلال... مشتملاً على الاقسام المذكورة، و الابواب و الفصول المسطورة، فُشِّرت مفتحة شريف الالقب، من اُتصف بهذه المقال، فصار له وصف الحال:

ساد الانام نحس عشرة حجة  
يا قرب مولد سيد من سوذد  
إن الفتوة و المروة و الأبـــــوة كلها لمحمد بن محمد

و هو نور حقه الوزارة و نور حديقه الامارة، سلاله الوزر[؟] العظام و خلف السلف الكرام، [شرف] الدولة و الذين محمد بن المولى المخدوم الاعظم، افتخار وزراء العرب و المعجم... و مالک نواصى السيف و القلم، صاحب الزد و القبول، متصفاً بقول القايل حيث يقول:

ابكى و اضحك خصمه و وليه  
بالشيف و القلم الضحوك الباكي  
الذرّ و البزرى خافا جوده  
فتحصنا فى البحر و الافلاك

سعد الحق و الدولة و الدين، اسبغ الله عليه و على كافة المسلمين ظلاله، و اعزّ انصاره و ضاعف جلاله، و سيلة إلى نيل الأمال و ذريعة إلى نظم الاحوال، و ارجوا أن لا يتسخطه العبدى و ينظر الناظر فيه بعين الرضا، و يتصور قضية ما على المؤلف إلا و سمعه، و لا على المصنّف إلا جهده، و يعلم أن الانسان لا يتجاوز طبيعها، و لا يكلف الله نفساً إلا و سعه، فتجاوز عن اقواله و يصفح عن افعاله، و صلى الله على سيدنا محمد و آله.<sup>۲</sup>

### [3] شرح المفصل (عربی) ❖

این رساله شرح مزجی مفصلی است بر المفصل زمخشری (د: ۵۳۸هـ)، با این عناوین: «قال رحمه الله»، «غيرها»، «تلخيصه»، «ما يتعلق بلفظ المتن»، «ما يتعلق بغيره». نسخه‌ای از این اثر به خط کاشی موجود است. نسخه‌ها:

۱. ملک، ش ۱۳۹۲، (فهرست ملک، ۱/ ۴۴۷-۴۴۸)، نسخه دستنوشته مؤلف.
۲. مدرس یزدی، ش ۱۴، (نسخه‌های خطی، ۴/ ۴۵۲)؛ [میکروفیلم ش ۲۵۲۳، (فهرست میکروفیلم‌ها، ۱/ ۳۴۷)۳.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم و به التوفيق و عليه التكلان، قال الامام الملامه محمود بن عمر الزمخشرى - رحمة الله عليه -: الله احمد على أن جعلنى من علماء العربية و جبلنى على الغضب للعرب و العصبية... اللغة و غيرها: الحمد نقيض الذم، يقال: حمدت الرجل أحمده حمداً و محمداً و فهو حميد و محمود و أحمدته و جدته محموداً، و قولهم المود احمد...<sup>۴</sup>

۱. در نسخه سفید مانده است.
۲. از میکروفیلم ش ۴۱۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
۳. این نسخه ظاهراً به واسطه نسخه‌ای دیگر از نسخه نخست (دستنوشته مؤلف) رونویس شده است، قس: نسخه‌های خطی، ۴/ ۴۵۲ و فهرست ملک، ۱/ ۴۴۸.
۴. از میکروفیلم ۲۵۲۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.



## [4] قلمیه (عربی) ❖

رساله‌ای است مقامه‌مانند، با نثری مسجع و موزون، در توصیف و تشخیص قلم، آراسته به اشعار و آرایه‌های گوناگون ادبی. بنابر نوشته کاشی در دیباچه قلمیه فارسی، او این رساله را به سال ۷۰۱ انشاء نموده است. کاشی در دیباچه قلمیه فارسی از این رساله با عنوان «رساله قلم» یاد می‌کند و خود را متبرک این نوع ادبی معرفی می‌نماید.<sup>۱</sup> اما گفتنی است که در قرن هفتم، قاضی نظام‌الدین اصفهانی رساله‌ای به شیوه مقامه در وصف کمان با نام «قوسیه» به زبان عربی اشاره کرد.<sup>۲</sup> و همشهری هم‌روزگارش، کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی (شاعر مشهور)، نیز به تقلید از او رسالتی به همان سیاق، به همان نام و به همان زبان، نگاشت.<sup>۳</sup> به احتمال بسیار، کاشی «قلمیه» عربی خود را به پیروی از «قوسیه» ایشان ساخته، هم چنانکه بعدها رساله‌ای به همان شیوه در وصف شمشیر با نام «سیفیه» انشاء نمود.<sup>۴</sup> این سنت ادبی همچنان ادامه یافت، چنانکه پس از سیفیه کاشی نیز رساله‌هایی از این دست، مانند «رمحیه» در وصف نیزه، نگاشته شد.<sup>۵</sup> در هر حال، قلمیه کاشی نمونه‌ای برای دیگران گردید و قلمیه‌هایی از این نوع به زبان عربی و فارسی ساخته شد. کاشی خود نخستین کسی است که به پیروی از این رساله، قلمیه‌ای به فارسی تحریر کرد.

مشهورترین رساله قلمیه، قلمیه جلال‌الدین دوانی (د: ۹۰۸ هـ) به زبان عربی است<sup>۶</sup> که تأثیر قلمیه کاشی در آن آشکار است.

## نسخه‌ها:

مرعشی، ش ۶۰۲۳: برگ ۷ پ-۱۹ ر، (فهرست مرعشی، ۱۶/۲۱).<sup>۷</sup>

آغاز: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، یا اهل الکتاب قد جاءکم رسولنا یبئین لکم کثیراً ممّا تخفون من الکتاب، انا ارسلناه بشیراً و نذیراً و آئیناه الحکمة و فصل الخطاب، نبی لا ینبىء فی عهده، کلیم لا یکلم فی مهده، رسول یتلوا صحفاً مطهرة، فیها کتب قیمه، معجزاته الفصاحة و البیان، والشق و القران، ذومرّة فاستوی، ما ینطق عن الهوی، این هو ایا وحی یوحی، اینه هو اضحک و ابکی، و اینه هو اغنی و اقتی، یمدل تارة و یجور، یولج اللیل فی النهار و یولج النهار فی اللیل و هو علیم بذات الصدور...<sup>۸</sup>

۱. نک: بعد از این، آغاز قلمیه فارسی.

۲. رساله ۱۹۳ از سفینه تبریز (ص ۷۱۰-۷۱۱).

۳. رساله ۱۹۲ از سفینه تبریز (ص ۷۰۴-۷۱۰).

۴. نک: پس از این.

۵. نک: ذریعه، ۱۱/۲۴۸، ۱۷/۱۶۸.

۶. قلمیه دوانی به تصحیح و تحقیق نگارنده منتشر شده است. نک: نسخه‌پژوهی، دفتر یکم، ص ۲۶۵-۲۷۶.

۷. آقای احمد متزوی بر اساس شرح مختصر مرحوم دانش‌پژوه از این جنگ (نسخه‌های خطی، ۶/۳۶۶) آن را نسخه‌ای از قلمیه فارسی پنداشته و از آن در فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۵/۲۵۸۰) یاد کرده است.

۸. از نسخه ۶۰۲۳ کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی - قم.

## [5] قلمیه (فارسی) ❖

کاشی این رساله را به همان شیوه قلمیه عربی و در برابر آن، به زبان فارسی انشاء کرده است. تاریخ تحریر این رساله دانسته نیست، اما از سال ۷۲۳ که ابوالمجد تبریزی به کتابت آن در سفینه تبریز پرداخته، فروتر نخواهد بود. عنوان این رساله در ۴ نسخه برجامانده، اندکی متفاوت است،<sup>۱</sup> اما کاشی خود در دیباچه سیفیه از آن با نام «قلمیه» یاد می‌کند.<sup>۲</sup> در نسخه ۱ و ۳، بخش دراز دامنی از دیباچه که به اهدای رساله به امیری «سعدالدین» نام (گویا همو که منتخب نزهه الناظر به او تقدیم شده) می‌پردازد، وجود ندارد. با توجه به آنکه کاتبان همه نسخه‌ها از معاصران کاشی و لاجرم حاکم مذکور بوده‌اند، این حذف معنی‌دار خواهد بود و نشان از گرایش‌های سیاسی ویژه آن روزگار خواهد داشت. مگر آنکه تصوّر کنیم که کاشی بعدها این اهدانامه را به رساله‌اش افزوده، و از همین رو برخی نسخ آن را در بر ندارند. در همین دو نسخه، تاریخ انشاء قلمیه عربی نیز - که در دیباچه قلمیه فارسی از آن سخن رفته - موجود نیست. سه نسخه نخست، پایانی همسان دارند، ولی نسخه ۴ به قصیده‌ای بلند با ردیف «قلم» و سپس قطعه‌ای در توصیف آن پایان می‌پذیرد و پس از آن کاتب به اختتام رساله اشاره می‌کند. اما با توجه به سیاق سخن می‌توان یقین کرد که این قصیده و قطعه الحاقی است و بعداً به انجام رساله افزوده شده است.

## نسخه‌ها:

۱. مجلس، ش ۱۴۵۹۰ (= سفینه تبریز): رساله ۱۹۸، (سفینه تبریز، ص ۷۱۶-۷۱۹).
۲. ادبیات، ش ۱۸۸ ج: رساله ۱، (فهرست ادبیات، ۱/ ۴۷۹).
۳. اوینورسیت، ش ۵۵۲ فارسی: رساله ۱۹؛ [میکروفیلم ش ۴۲۴: رساله ۱۹، (فهرست میکروفیلم‌ها، ۱/ ۴۴۴)].
۴. کوپرولو، ش ۱۵۸۹: رساله ۷۴ (هامش نسخه)؛ [میکروفیلم ش ۲۶۲-۲۶۳: رساله ۷۴ (هامش نسخه)، (فهرست میکروفیلم‌ها، ۱/ ۴۸۴)].

افزون بر این نسخه‌ها، رساله ۵ از نسخه شماره ۱۱۱۹ در کتابخانه راشد افندی ترکیه، «رساله قلمیه» ثبت شده<sup>۳</sup> که ممکن است همان قلمیه فارسی کاشی باشد.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم، بعد از حمد خدا و درود بر محمد مصطفی - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ -<sup>۴</sup> چنین گوید محرز این رساله و مقرر این مقاله، عبدالعزيز کاشی - بَارَكَ اللهُ فِيهِ وَصَرَفَ بَاقِيَ عَمْرِهِ فِي مَرْضِيئِهِ - که چون از انشاء رساله قلم که به زبان عربی اتفاق افتاده است در سنه احدی<sup>۵</sup> و سبعمائه<sup>۶</sup> فراغت دست داد، چندانکه تفحص نمود و تجسس فزود هیچ آفریده را ندید که از آن شیوه و رنگ چیزی ساخته بود و در آن پرده و آهنگ سازی نواخته، یا آن را

۱. بدین ترتیب: «کتاب رساله القلمیه»، «رساله القلم»، «رساله فی صفة القلم»، «رساله فی القلم».

۲. نک: پس از این، آغاز سیغیه.

۳. فهرست فارسی ترکیه، ص ۲۲۳.

۴. نسخه ۳: و علی آله و عترته.

۵. نسخه‌های ۱ و ۳: در سنه احدی و سبعمائه.

مانند و مثال دیده یا به زبانی بدان<sup>۱</sup> منوال سخنی شنیده. در خاطر آمد که با این یتیمه به عجمی<sup>۲</sup> ضمیمه‌ای باید و با این لطیفه به پارسی<sup>۳</sup> ضمیمه‌ای، تا بوی آن به مشام خاص و عام رسد و عرب و عجم از آن بهره‌ور گردد. به هر وقت حادثه‌ای واقع می‌شد و واقعه‌ای حادث می‌گشت، تا مدتی مدید و عهدی بعید برین بگذشت. عروس این آرزو نقاب از رو بگشاد و رساله‌ای

خوش و خوب و خرم چو روز جوانی	روان و تر و تازه چون آب حیوان
طرب‌زای همچون می ارغوانی	دل‌آرای همچون گل نوشکفته
فروزنده در وی چراغ معانی	چو باغ بهشت از فنون لطایف
روان‌بخش چون چشمه زندگانی	نظرگاه دیده چو ارتنک مانی
و وصل العوانی و نیل‌الأمانی	کوعد الحیب و غصّ الزقیب

بنیاد نهاد که وسیله دریافت شرف بندگی مخدوم جهانبان، سعد الحق والدین-المخصوص بعنایة رب العالمین... معدن لطف و کرم، اعدل حکام بنی آدم، آنکه

عدلش ستم از زمانه آواره کند	لطفش به کرم چاره بیچاره کند
آن یاره که پیراهن گل پاره کند	در موسم وصل او صبا را نبود

-اعزّ الله انصار دولته و صرف الحوادث و المکاره عن حضرتک- تواند بود و در نیل ادراک معانی بدان توسل تواند نمود.<sup>۴</sup> و آن را به قصیده‌ای موشح گردانید به قطعه‌ای به مقطع رسانید.

و القصیده هذه

قَدَر از قدر کار او بیکار... <sup>۵</sup>	حَبْذا پیکری قضاییکار
---	-----------------------

[6] سیغیه (فارسی) ❖

کاشی این رساله را دقیقاً در برابر قلمیه فارسی خود ساخته است. «قلم» و «سیف» از دیرباز مقارن و مقابل یکدیگر بوده‌اند و رساله‌هایی در مناظره «سیف» و «قلم» شناخته شده که از جهت بی‌جوئی مناظره‌ها در ادب فارسی در خور توجه است.<sup>۶</sup> سیغیه کاشی- از آن حیث که در توصیف ابزار رزم است- پیش‌روانی به‌مانند «قوسیه» و پس‌روانی همانند «رمحیه» دارد که در شرح قلمیه عربی به آن‌ها اشاره شد.

۱. همان‌ها: بران.

۲. همان‌ها: پارسی.

۳. همان‌ها: عجمی.

۴. همان‌ها: که وسیله دریافت شرف بندگی... تواند نمود.

۵. این آغاز را با تصحیح و ثبت اختلافات مهم نسخه‌های چهارگانه نقل کرده‌ام.

۶. نک: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۵/ ۳۶۳۵.

## نسخه‌ها:

۱. ادبیات، ش ۱۸۸ ج: رساله ۲، (فهرست ادبیات، ۱/ ۴۷۹).
۲. کوپرولو، ش ۱۵۸۹: رساله ۷۵ (هامش نسخه)؛ [میکروفیلم ش ۴۶۲-۴۶۳: رساله ۷۵ (هامش نسخه)، (فهرست میکروفیلم‌ها، ۱/ ۴۸۴)].

آغاز: [بسم الله الرحمن الرحيم]، بعد از حمد خداوند کردگار و درود بر محمد مختار- علیه الصلوة والسلام- چنین گوید منشی این ابیات و مؤلف این کلمات، الواصل بالصدق الدائم، عبدالعزیز بن ابی‌الغنائم کاشی- بارک الله فی عمره- که چون بعضی از اکابر عصر و افاضل دهر رساله قلمیه به عین‌الرضا مطالعه فرموده‌اند و آنرا از لطایف و غرایب اهل سخن شمرده، التماس نمودند که با این قلمیه سیفیه‌ای باید تا در نظر سخنوران قدر مؤلف بیفزاید و از کمال استعداد او اینها روزگار را آنباء نماید. برحسب اشارت ایشان همت بر انشاء آن متصوّر گردانید و آنرا موشح به قصیده و مدّیل به مثنوی به آخر رسانید.

و القصیده هذه

گوهری همچو بحر پر ز درر...

حبّذا قطره‌ای پر از گوهر

## [7] اشعار

آثار کاشی مشحون از اشعار عربی و پارسی است که اگر نگوییم همه، دست کم بیشتر آن‌ها از آن خود اوست. شاید وی دیوانی نیز داشته که به دست ما نرسیده است. در برخی جُنگ‌های کهن، اشعاری پراکنده از کاشی درج شده که ظاهراً برگرفته از روضة الناظر خود او است،<sup>۱</sup> چنانکه غزلی در جُنگ موزة بریتانیا (ص ۵۹۹ حاشیه) نقل شده، در روضة الناظر (نسخه ملی تبریز، برگ ۲۱۹-۲۲۰) نیز آمده است. آن غزل این است:

چشم تو را سحر حلالی خوش است	روی تو را حسن و جمالی خوش است
گر بتوان گفتم هلالی خوش است	طاق دو ابروی تو را راستی
راست تو توان گفتم نهالی خوش است	سر و قدت در چمن باغ حسن
بر لب می‌گونم تو خالی خوش است	همچو دل لاله شده غرق خون
صورت خط تو مثالی خوش است	سلطنت حسن دلاویز را
گر چه محالست محالی خوش است	دست در آغوش تو کردن به کام
گر چه خیالست خیالی خوش است	و آرزوی دیدن رویت به خواب
در طلب وصل تو حالی خوش است <sup>۲</sup>	سوختن از وصل تو و ساختن

۱. از نسخه ۱۸۸ ج دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
۲. آقای عزیز دولت آبادی مجموعه‌ای از اشعار کاشی را از روضة الناظر استخراج کرده و در مقاله خود به چاپ رسانیده است (نشریه کتابخانه ملی تبریز، ۱۶/ ۹۷-۱۰۰).
۳. از میکروفیلم ش ۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

## نسخه‌ها:

۱. موزه بریتانیا، ش Add. 27261: ص ۵۵۹ حاشیه (برگ ۲۷۹ب)؛ [میکروفیلم ش ۲۴، (فهرست میکروفیلم‌ها، ۱ / ۴۰۱-۴۰۲)؛ (فرهنگ ایران زمین، ۲۶ / ۲۰۰).
۲. لالا اسماعیل، ش ۴۸۷ ر: رساله ۱؛ [میکروفیلم ش ۵۷۳، (فهرست میکروفیلم‌ها، ۱ / ۵۰۰)].
۳. بایزید ولی‌الدین، ش ۱۸۱۹: رساله ۳۹۶؛ [میکروفیلم ش ۴۴۱، (فهرست میکروفیلم‌ها، ۱ / ۴۷۵)].<sup>۱</sup>

## III. نسبت‌های نادرست

به جز کتاب‌ها و رساله‌هایی که ذکرشان گذشت دو اثر به نادرست به کاشی منسوب شده است:

۱. تحصیل اقل عدد یتقسم بالانقسامات المفروضة للوتر. (کتابخانه ملی، ش ۱۵۵۶: رساله ۲).

این رساله کوتاه (یکی - دو برگ) در «تقسیم وتر مفروضی»<sup>۲</sup> و در موضوع هندسه است. این نسخه را نخستین بار مرحوم استاد محمّدتقی دانش‌پژوه در فهرست میکروفیلم‌ها (۲ / ۲۵۷) معرفی کرد و دیگر بار استاد سید عبدالله انوار در فهرست ملی (۱۰ / ۷۹) آنرا شناساند. چنانکه از مشاهده نسخه آشکار می‌شود، این وجیزه را کاتبی در انتهای الرسالة الشریفه ارموی - که کاشی آنرا کتابت کرده و پیش از این از آن سخن گفتیم - به خط نسخ نازبیا نگاشته و بدان افزوده است.<sup>۴</sup> شگفت است که مرحوم دانش‌پژوه آنرا به عبدالعزیز کاشی نسبت داده و نام طولانی بالا را بر آن نهاده، و شگفت‌تر آنکه این رساله را نیز به خط کاشی دانسته است!

۲. مصطلحات الصوفیه. (دانشگاه استانبول، ش ۱۶۰۱).

کاتب این نسخه متأخر، این رساله را به عبدالعزیز کاشی نسبت داده، اما همچنان‌که فهرست‌گر نسخه نوشته، این نسخه «ظاهراً همان شرح اصطلاحات صوفیان از عبدالرزاق کاشانی است».<sup>۱</sup>

۱. مرحوم دانش‌پژوه به اشعاری از کاشی در این جنگ اشاره کرده، اما با همه جستجو اشعار کاشی را در آن نیافتیم.

۲. فهرست ملی، ۱۰ / ۷۹.

۳. همان‌جا.

۴. کاتب خود را از سوی مادر از بستگان کاشی معرفی می‌کند و پدر کاشی (ابی‌الغنائیم [جمال‌الدین] محمود) را جد پانزدهم مادری خود می‌داند. وی در حاشیه ترقیمه کاشی در پایان الرسالة الشریفه و در ذیل نام او نوشته است: «هو اخو الاحمد بن ابی‌الغنائیم محمود بن احمد بن ابی‌الفضایل الذی کان من اجدادی من امی...». کاتب در مقدمه رساله «تقسیم وتر مفروضی» نیز می‌نویسد: «فأعلم یا ولدی و غزّة فوادی مولانا رفیع‌الدین حیدر... آتی وجدت هذه النسخة الشریفة فیما بین کتب وصلت إلی من آبائی فی... سنة خمس و اربعین و تسعمائة... و... أن [عبدالعزیز کاشی] کاتب هاتین النسختین [الرسالة الشرفیة، الادوار] کان واحداً من اولاد اجدادی من امی، فان السعید المغفور اباالغنائیم المذكور کان الخامس عشر من... اجدادی...» (ص ۱۴۱ نسخه). کاتب در ادامه، نسب خود را تا ابی‌الغنائیم محمود (پدر عبدالعزیز کاشی) و از او به ده واسطه تا ابوزر غفاری (صحابی بزرگ) یاد کرده است (همان‌جا).

۵. فهرست استانبول، ص ۶۹۴.

۶. همان‌جا.

## منابع و اختصارات

- تاریخ نظم و نثر دایران و در زبان فارسی، سعید نفیسی، تهران، کتابفروشی فروغی، چاپ اول، ۱۳۴۴ ه.ش.
- جلوه‌های هنر پارسی (نسخه‌های نفیس ایرانی... در کتابخانه ملی فرانسه)، فرانسیس ریشار، ترجمه ع. روح‌بخشان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، آغا بزرگ الطهرانی، بیروت، دارالاضواء، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ ه.ش.
- راهنمای کتاب، سال پنجم، شماره ۱۰، دی ۱۳۴۱ ه.ش.
- سفینه تیریز، گردآوری و به خط: ابوالمجد مسعود تبریزی، چاپ عکسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ه.ش.
- فرهنگ ایران زمین، جلد بیست و ششم، تهران، ۱۳۶۵ ه.ش.
- فرهنگ معین، دکتر محمد معین، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۵۲-۱۳۴۲ ه.ش.
- فهرست ادبیات: فهرست نسخه‌های خطی دانشکده ادبیات، محمدتقی دانش‌پژوه، [جلد اول، مجله دانشکده ادبیات، سال هشتم، شماره یک]، تهران، چاپ اول، ۱۳۳۹ ه.ش.
- فهرست استانبول: فهرست نسخه‌های خطی فارسی دانشگاه استانبول، توفیق هاشم‌پور سبحانی - حسام‌الدین آق‌سو، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ش.
- فهرست خاورشناسی روسیه: فهرست نسخه‌های خطی فارسی مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه، به اهتمام: ا. ف. آکیموشکین و... مترجم: عارف رمضان، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ه.ش.
- فهرست سنا: فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (شماره ۲ - سنای سابق) محمدتقی دانش‌پژوه - بهاء‌الدین علمی انواری، جلد دوم، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۵۹ ه.ش.
- فهرست فارسی ترکیه: فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه، توفیق ه. سبحانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۳ ه.ش.
- فهرست کتابخانه ملی تبریز، میرودود یونسی، جلد اول، تبریز، بی‌نا، چاپ اول، ۱۳۴۸ ه.ش.
- فهرست مرعشی: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، سید احمد حسینی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، بی‌تا - ۱۳۷۶ ه.ش.
- فهرست ملک: فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملی ملک (وابسته به آستان قدس رضوی)، ایرج افشار - محمدتقی دانش‌پژوه، با همکاری: محمدباقر حجّتی - احمد منزوی، جلد اول، تهران، بی‌نا، چاپ اول، ۱۳۵۲ ه.ش.
- فهرست ملّی: فهرست نسخ خطی کتابخانه ملّی، جلد دهم، سید عبداللّه انوار، تهران، کتابخانه ملّی، چاپ اول، ۱۳۵۸ ه.ش.
- فهرست میکروفیلم‌ها: فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۶۳-۱۳۴۸ ه.ش.

- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، چاپ اول، ۱۳۴۸-۵۳ ه.ش.
- فهرستواره کتاب‌های فارسی، احمد منزوی، جلد ششم، تهران، مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ه.ش.
- فهرس المخطوطات الفارسیة، نصرالله مبشر الطرازی، قاهرة، مطبعة دارالکتب، الطبعة الاولى، ۱۹۶۶ م.
- فهرس المخطوطات المصوّرة، فؤاد سیّد، قاهره، دارالریاض، الطبعة الاولى، ۱۹۵۴ م.
- کاشانی‌نامه، مجید هادی‌زاده، در: مجموعه رسایل و مصنفات، کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی، مقدّمه تصحیح و تعلیق: مجید هادی‌زاده، تهران، میراث مکتوب، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ه.ش.
- کشف الظنون عن اسامی الکتب و القنون، حاجی خلیفه، المکتبة الاسلامیة، الطبعة الثالثة، ۱۳۷۸ ه.
- لفت‌نامه، علی‌اکبر دهخدا، تهران، سازمان لغت‌نامه وابسته به دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۲۵ ه.ش به بعد.
- نامه بهارستان، دفتر چهارم (سال دوم، شماره دوم)، پاییز - زمستان ۱۳۸۰ ه.ش.
- نسخه‌پژوهی، به کوشش: ابوالفضل حافظیان بابلی، دفتر یکم، قم، مؤسسه اطلاع‌رسانی مرجع - خانه پژوهش قم، چاپ اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- نسخه‌های خطی، زیر نظر: محمدتقی دانش‌پژوه - ایرج افشار، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۴-۴۸ ه.ش.
- نشریه کتابخانه ملی تبریز، دوره جدید، سال اول، شماره ۱ (مسلسل ۱۶)، بهار ۱۳۸۳ ه.ش.



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی